



شبهه‌شناسی  
گفتمان‌سازی  
ویاسخ‌گویی  
روزهای حماسه  
دفاع مقدس

ویژگی‌نامه  
چندرسانه‌ای  
ماهنامه‌شبهات

# شبهه‌شناسی

۸۴

## امنیت پایدار خلیج فارس

شبهه: چرا باید منافع آبراه بین‌المللی خلیج فارس، فقط در خدمت ایرانیان باشد؟



خلیج فارس، این پهنه آبی کهن، تنها یک گذرگاه استراتژیک نبوده بلکه بخشی از هویت تمدنی ایران است که تاریخ، فرهنگ و حیات ملی ایرانیان در آن جریان دارد. از روزگار امپراتوری‌های باستانی تا امروز، این دریا همواره با نام ایران عجین بوده و هیچ وقت این پیوند تاریخی گسسته نخواهد شود. آنچه این آبراه را در برابر هرگونه تهدید و تحدیدی مصون نگاه داشته، نه صرفاً توان نظامی، بلکه "شجاعت تاریخی"، درایت ملی و هوشمندی جمعی مردمی است که همواره ثابت کرده‌اند در مسائل حیاتی سرزمینشان، هشیار و یکپارچه عمل می‌کنند.

این باور عمومی که خلیج فارس و تنگه هرمز جزئی از آب‌های سرزمینی و تمامیت ایران است، یک نظرسنجی یا محاسبه سیاسی زودگذر نیست. بلکه میراثی است که از نسلی به نسل دیگر منتقل شده و در جان و دل مردم ایران ریشه دوانده است. تحولات و جنگ اخیر بین ایران و آمریکا، این باور را در بسیاری از مردم ایران بوجود آورد که هرگونه تردد در تنگه هرمز باید تحت نظارت و مدیریت ایران انجام شود. رقم بالای مطالبه و همراهی مردمی، برای مدیریت خلیج فارس، گواه عمق "بلوغ استراتژیک" جامعه

ایران است؛ جامعه‌ای که علیرغم فشارهای گوناگون، به جای "تسلیم" و "صلح به هر قیمت"، بر "تثبیت اقتدار ملی" تأکید دارد.

مردم ایران به خوبی دریافته‌اند که کنترل بر تنگه هرمز، نه یک امتیاز تجملاتی، بلکه بخشی از "عمق استراتژیک" کشور و تضمین‌کننده امنیت پایدار داخلی و عزت بین‌المللی آن‌هاست. این نگاه، محصول قرن‌ها تجربه تاریخی و هوشمندی جمعی است؛ هوشمندی که هر تهدیدی را به فرصتی برای اتحاد ملی و نمایش قدرت نرم و سخت ایران تبدیل می‌کند.

درایت و هوشمندی مردم ایران تنها به میدان آمدن در زمان بحران خلاصه نمی‌شود، بلکه در توانایی آن‌ها برای تغییر آرام و عاقلانه قواعد بازی نیز نمایان است. در ماه‌های اخیر، ایران نشان داده که مدیریت تنگه هرمز را از یک مسئله صرفاً نظامی، به عرصه‌ای برای "ابتکار عمل هوشمندانه و قانونی" تبدیل کرده است. تهران با تدوین و اعلام چارچوب‌های مدیریتی جدید برای تنگه هرمز، عملاً نشان داد که نیازی به زورگویی یا تقابل بی‌حاصل ندارد،

بلکه با تکیه بر عقلانیت و حقوق مسلم خود، می‌تواند نظم تازه‌ای را پی‌ریزی کند که در آن، حق حاکمیت ایران نه تنها حفظ، بلکه نهادینه می‌شود. همانطور که رهبر فرزانه انقلاب اسلامی نیز تأکید کرده‌اند، این چارچوب‌های هوشمندانه "ثبات، پیشرفت و منافع اقتصادی را برای همه ملت‌های منطقه به ارمغان خواهد آورد". این رویکرد، مصداق عینی، درایت ملی است: به جای ائتلاف اثرزنی در واکنش‌های احساسی، ایجاد ساختارهایی که عزت ملی و منافع مشترک را توامان تأمین می‌کنند. اقتدار ملی ایران در این عرصه، ریشه در سه رکن ناگسستنی دارد: مردم هوشیار و شجاع، رهبری مدبر و عاقل، و نیروهای مسلح مقتدر و قانون‌مدار. این سه ضلع، مثالی محکم را تشکیل داده‌اند که هیچ قدرت فرامنطقه‌ای، حتی آمریکا، توانایی محدود کردن آن را ندارد. این اقتدار از جنس ترفندهای سیاسی زودگذر نیست بلکه از تار و پود جامعه ایران برخاسته است. تجربه نشان داده هر زمان که تهدیدی متوجه این حاکمیت ملی شده، مردم ایران با تمام توان در صحنه حاضر شده‌اند، نه از روی ترس یا خشم، بلکه از روی "غیرت ملی" و «عقلانیت جمعی».

این حضور آگاهانه و شجاعانه، بزرگترین سرمایه ایران برای حفظ سیطره خود بر خلیج فارس است؛ سرمایه‌ای که هیچ تحریمی نمی‌تواند آن را از بین ببرد.

دورنمایی که از این هوشمندی جمعی و درایت ملی ترسیم می‌شود، آینده‌ای روشن، مقتدرانه و کاملاً مستقل برای خلیج فارس است. آینده‌ای که در آن، کشورهای منطقه فارغ از دیکته‌های قدرت‌های بیگانه، خود مسئولیت امنیت و رفاه در این پهنه آبی را بر عهده می‌گیرند. نظم جدید منطقه‌ای، دیگر جایی برای حضور ناوگان‌های فراقاره‌ای که از هزاران کیلومتر دورتر بر نظم این آبراه تاریخی تسلط داشته‌اند، باقی نخواهد گذاشت. این آینده، حاصل قرن‌ها مقاومت هوشمندانه و شجاعت ملی یک ملت است. خلیج فارس همیشه با ایران بوده، و همیشه با ایران خواهد ماند، نه به دلیل زور یا اجبار، که به دلیل تعلق تمدنی، اراده جمعی و عشقی که از جان و دل مردم ایران برمی‌خیزد. تا زمانی که این ملت هوشمند و شجاع ایستاده است، هیچ قدرتی، حتی آمریکا، نمی‌تواند سیطره و تسلط ایران را بر این آبراه ملی محدود کند.

